

سبک زندگی و توانمندسازی زنان روستایی جهت مشارکت در توسعه پایدار روستاها

آمنه سواری ممبئی^۱، دکتر مسعود یزدان پناه^۲

۱. دانشجوی دکتری رشته ترویج کشاورزی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان

Amenehsavari@yahoo.com

۲. دانشیار دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان

yazdanm@ramin.ac.ir

چکیده

توانمندسازی زنان به خصوص زنان روستایی یکی از مسائل اصلی در روند توسعه برای بسیاری از کشورهای جهان امروز است. توانمندسازی فرآیندی است که طی آن زنان از نیازها و خواسته‌های درونی خود آگاه می‌شوند، جرأت دستیابی به هدف را در خود تقویت می‌کنند و از توانایی‌های لازم برای عملی ساختن خواسته‌های خود برخوردار می‌شوند اما متأسفانه امروزه توانایی زنان روستایی مورد غفلت برنامه ریزان قرار گرفته و امکانات توزیع شده بر اساس برنامه‌های توسعه‌ای به دست زنان روستایی نمی‌رسد لذا هر کشوری برای این که بتواند زنان روستایی را به عنوان سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حفظ کند می‌بایست برنامه‌های توانمندسازی زنان روستایی را هم در سطح خرد و هم کلان مورد توجه قرار دهد. هدف این مقاله تبیین مفهوم سبک زندگی و توانمندسازی زنان روستایی به منظور شرکت دادن آنان در تحقق توسعه پایدار روستاهاست که به روش تحلیلی-مروری و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و سایت‌های اینترنتی تدوین شده است. سبک زندگی فرم خاص گروهی از افراد می‌باشد که چگونه زندگی می‌کنند و همچنین چگونه زندگی خود را در یک زمینه اجتماعی تفسیر می‌کنند. بخش عمده سبک زندگی هر فرد توسط ارزش‌های وی تعیین می‌شود و پیوند اجتناب ناپذیر با رفتار دارد و به معنی نحوه‌ی ساماندهی زندگی برای تحقق نیازها و خواسته‌ها با به کارگیری مجموعه‌ای از رفتارهاست که یک شیوه عمومی است و مسیر زندگی افراد را توصیف می‌کند از این رو می‌تواند به عنوان عاملی برای رویکرد توانمندسازی مطرح باشد.

کلیدواژه‌گان: توانمندسازی زنان روستایی، سبک زندگی، توسعه پایدار روستاها

مقدمه

تحول در مناطق روستایی در کشورهای در حال توسعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشند (Visser & Spoor, 2011:302). چرا که مناطق روستایی نقش عمده‌ای در توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی این کشورها ایفا می‌کند (Vadivelu & Kiran, 2013:108) و پیشرفت و توسعه‌ی نواحی دیگر وابسته به مناطق روستایی می‌باشد (Kumar et al., 2014:193). در ادبیات بین المللی علاقه به توسعه و پیشرفت جوامع روستایی در زمینه‌ی تحولات اقتصادی و اجتماعی به سرعت در حال رشد بوده (Isserman et al., 2009:302) و به عنوان راهبردی برای بهبود شرایط زندگی (Meijerink, 2007:47) و مهمترین راه حل برای مشکلات روستاییان می‌باشد (Jun & Xiang, 2011:1530). این در صورتی است که امروزه رسیدن به اهداف توسعه بدون بهره‌گیری از ذخیره عظیم نیمی از پیکره جامعه یعنی زنان امری غیر ممکن است (Austrian, 2012; Bhumali, 2005: 320). زنان نقش‌های مهم و غیر قابل انکاری در فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی روستاها دارند و یکی از مؤثرترین گروه‌ها در روستا می‌باشند (Ahmadpour et al, 2015; Dutta, 2018:2). به طور خاص، زنان روستایی نقش حیاتی در کشاورزی و توسعه روستایی دارند (Dutta, 2018:2). به طور مثال، آنان با تولید، عمل آوری و تامین مواد غذایی نقش بسیار مهمی در حیات انسانی ایفا می‌نمایند. از این رو، زنان به عنوان نیروی عمده برای ایجاد تحول و منبعی بالقوه در جهت پیشبرد اقتصاد روستا و افزایش هر چه بیشتر نرخ رشد تولیدات مواد غذایی در نظر گرفته می‌شوند (درویش پور و همکاران، ۱۳۹۳: ۲). همچنین زنان روستایی افزون بر فعالیت های درون منزل، در همه‌ی مراحل تولید محصولات

بشترین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی شرف؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

کشاورزی و به طور کلی همه‌ی امور، همراه مردان به فعالیت می‌پردازند و اوقات اندک فراغتشان را نیز در سایر امور، نظیر تولید صنایع دستی، مانند گلیم، قالی و غیره صرف می‌کنند. نقش زنان هرگز محدود به خانه و خانواده نشده و افزون بر فعالیت‌های درون منزل، در بیرون (زراعت، دامپروری، جنگل‌داری و غیره) نیز فعال اند (Kishor & Gupta, 2004:694). اما با وجود اینکه زنان نقش مرکزی را در اقتصاد روستا بواسطه سهم خود در تولید محصولات کشاورزی ایفا می‌کنند (Tanwir & Safdar, 2013:210)، از گروه‌های حاشیه‌ای به حساب می‌آیند (Kongolo & Bamgose, 2002:82). به طور مثال، زنان گروهی هستند که به ندرت در ساختار سیاسی روستا دیده شده‌اند (Boch & Derkzen, 2007:267) و در واقع فرهنگ‌های حاکم بر جامعه مشارکت زنان را کاهش داده است. مطالعات نشان می‌دهند که عوامل اجتماعی، فرهنگی و انتظارات متفاوت جامعه از مرد و زن موانع مهمی را بر سر مشارکت زنان به خصوص زنان سرپرست خانوار که علاوه بر نقش مادری باید نقش پدری را نیز برای فرزندان خود ایفا نمایند بوجود آورده است (صفری شالی، ۱۳۸۷: ۱۳۹). همچنین مسئولیت خانه‌داری و بچه‌داری زنان روستایی منجر به حداقل مشارکت آنان در توسعه پایدار روستایی شده است (Akpınar et al., 2005:477). تصور عمومی بر این بود که بایستی بستری فراهم آید تا زنان صرفاً ذی نفعان منفعل در فرآیند توسعه نباشند، بلکه به عنوان مشارکت جویان فعال در این فرآیند ایفای نقش و توانمند شوند. بنابراین در دهه ۱۹۷۰ میلادی زنان به عنوان نیروهای فعال اقتصادی مطرح شدند و در مطالعات مختلف، حلقه اتصال زنان با توسعه را فرآیندی با نام توانمندسازی زنان دانستند (شاهکوهی و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۸). پس از آن در کنفرانس‌های متعدد درباره‌ی زنان توانمندسازی همواره به عنوان ابزاری برای پل زدن به فاصله نابرابر بین زنان با مردان مورد تاکید قرار می‌گیرد (Okunade et al, 2005:38). توانمندسازی فرآیند پویایی است که طی آن زنان سعی می‌کنند تا ساختارهایی را که آن‌ها را در حاشیه نگاه می‌دارد دگرگون سازند (ربیعی و نظریان، ۱۳۹۲: ۵). بر اساس تعریف سازمان ملل متحد، توانمندسازی زنان بر اساس برابری در همه حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی شالوده اصلی دستیابی به توسعه و صلح محسوب می‌شود (Kenyon & Garcia, 2016:213). توانمندسازی به معنای قدرت بخشیدن است؛ بدین معناست که به افراد کمک شود تا احساس اعتماد به نفس‌شان را بهبود بخشند و نیز بر احساس ناتوانی یا درماندگی‌شان چیره شوند. به عبارتی، در فرد توانمند شور و شوق کار و فعالیت به وجود آید و برای انجام وظایف بر اساس انگیزه‌ی درونی عمل کنند (Ashburn & Warner, 2010; Malhatra, Schuler & Boender, 2005; Whetten & Cameron, 2002). در واقع و موجب بهبود تصویر و تصویری شود که افراد از وضعیت خودشان دارند (Ugbomeh, 2001:293). در واقع توانمندسازی به عنوان یک راه حل، خواستار افزایش مشارکت زنان و خواستار قدرت دادن به آنان، نه به معنای برتری یک فرد بر فرد دیگر، بلکه به معنای افزایش توان آن‌ها برای اتکا به خود و گسترش حق انتخاب در زندگی است (ماجدی و همکاران، ۱۳۹۴: ۶). سبک زندگی می‌تواند عاملی برای رویکرد توانمندسازی مطرح باشد چرا که شکل‌گیری سبک زندگی معلول شرایط زندگی، اجتماعی شدن سال‌های آغازین زندگی، موقعیت اقتصادی و اجتماعی می‌باشد و همچنین به تشخیص تمایز بین افراد کمک می‌کند، به طوری که می‌تواند به عنوان یک معیار برای طبقه‌بندی و تقسیم‌بندی افراد استفاده شود (بنی فاطمه و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۸). سبک زندگی نقش مهمی در خلق هویت فردی و جمعی دارد و نگرش افراد را درباره‌ی مصرف، مدیریت سلامت و روابط اجتماعی شکل می‌دهد» نمای ظاهری فرد بیش از آن که نشان دهنده‌ی هویت شخصی او باشد بیانگر هویت اجتماعی است» (گیدنز، ۱۳۸۲: ۱۴۴). سبک زندگی یکی از ابعاد تجلی هویت در زندگی روزمره است. «از نظر بوردیو خواست افراد و گروه‌ها برای تمایزگذاری یعنی خواست برخورداری از یک هویت اجتماعی خاص است که هستی اجتماعی شخص یا گروه را ممکن می‌سازد» (بون ویتز، ۱۳۹۱: ۱۱۹) از این رو بررسی سبک زندگی، میزان و نحوه تعاملات اجتماعی در پی

بشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دومین و سومین خردادماه ۱۳۹۸

دگرگونی الگوهای زندگی ضروری است (Soininen & Merisuo- Storm, 2010:1665). سبک زندگی اشاره به مسیر زندگی روزمره دارد که می‌تواند از طریق کار، استراحت، تغذیه، حل مسئله (Apostu, 2013:15) و نیز به عنوان جلوه شهود و محسوس فرهنگ، تجلی و تبلور عینی باورها، ارزش‌ها، گرایش‌ها و ترجیحات فرهنگی در قالب مظاهر رفتاری و الگوهای زندگی افراد و گروه‌ها در تعاملات اجتماعی نمود پیدا کند (شرف‌الدین، ۱۳۹۲: ۱۶). لذا سبک زندگی می‌تواند ارتقاء دهنده‌ی توانمندسازی زنان باشد.

ادبیات نظری موضوع

توانمندسازی زنان روستایی

توانمندسازی در حال حاضر واژه‌ای آشنا است و در بسیاری از موارد استفاده شده است، اما تعریف جامع آن بسیار دشوار است زیرا توانمندی پدیده نهفته‌ای است که آشکارا مشاهده نمی‌شود (Basu, 2005: 23; Mahmud et al, 2012:618). ریفکین توانمندسازی را فرآیندی می‌داند که به واسطه‌ی آن افراد بر امور و کارهایشان تسلط بیشتری می‌یابند و با کسب قدرت بالا، کنترل بر منابع، اعتمادسازی، ظرفیت‌سازی و مشارکت فعال قادرند مسیر زندگی‌شان را به درستی هدایت کنند (Rifkin, 2003:172). توانمندسازی فرآیندی است که معرف پیشرفت از یک موقعیت نابرابری جنسیتی به موقعیت دیگر یعنی برابری جنسیتی می‌باشد (Malhatra & Schuler 2005:75). بر اساس تعریف سازمان ملل متحد، توانمندسازی زنان بر اساس برابری در همه حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی شالوده اصلی دستیابی به توسعه و صلح محسوب می‌شود (Kenyon & Garcia, 2016:213). در رویکرد توانمندسازی، زنان خواهند توانست اتکاء به نفس خود را افزایش دهند، حق مستقلی برای انتخاب‌های خود داشته باشند، خود را ساماندهی کرده و منابع را کنترل کنند (Ashburn & Warner, 2010: 14). همچنین روحیه خودباوری، اعتماد به نفس و مسئولیت‌پذیری در آنان تقویت شده تا بتوانند هنگام رویارویی با مشکلات، گامی در جهت رفع این مشکلات و معضلات برداشته و همواره به خود متکی باشند (خسروی پور و فروشانی، ۱۳۹۰: ۱۲۸). این مجموعه به کاهش فقر، حذف فرودستی و تحول‌های نهایی در آن‌ها کمک خواهد کرد (Ashburn & Warner, 2010:14). بنابراین توانمندی زنان به عنوان ایده‌ای متداول و به عنوان بخشی از زبان توسعه مطرح می‌گردد که می‌تواند با بهبود عملکرد زنان، بقای آنان را تثبیت کند (Handy et al., 2004:7). از این رو، الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت بر افزایش دانایی و توانمندسازی زنان تأکید دارد. توسعه و پیشرفت از نظر الگوی ایرانی-اسلامی بر شاخص‌هایی چون دانش، پایبندی و تعهد، مسئولیت، محبت، انسجام و مشارکت، توجه به ظرفیت‌های انسانی، علایق دینی، هشیاری، پشتکار و عدالت (شعبانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۲۵) و همچنین حفظ بنیان خانواده، جلوگیری از رواج الگوهای زودگذر در خانواده، حفظ هویت دینی و ملی و حفظ مناسبت بین نسلی و پویایی خانواده و جامعه (صادقی فسایی و عرفان منش، ۱۳۹۲: ۶۸) تأکید دارد.

محور اصلی نظریه‌ی توانمندسازی، تغییر ساختار و شرایطی است که نابرابری را به زنان تحمیل می‌کند. نظریه‌ی توانمندسازی با هدف ارتقاء توانمندی‌های زنان برای مشارکت ولی با در نظر گرفتن شرایط فرهنگی-اجتماعی کشورها و موضوع موردنظر کاملاً انعطاف پذیر است. در فرآیند توانمندسازی اجتماعی زنان روستایی نیز تأکید ویژه بر آگاه‌سازی است؛ زیرا باور بر این است که نابرابری‌های اجتماعی ناشی از نابرابری‌های اطلاعاتی است. این نظریه به دنبال ارتقاء آگاهی، کسب مهارت‌های نوین، اصلاح نگرش‌ها، احساس اعتماد به نفس، ارزش و احترام قائل شدن برای خود و دیگران، مشارکت در فعالیت‌ها و تصمیم‌گیری‌ها، احساس تعلق به گروه، ایجاد انگیزه و تحرک و علاقه بیشتر برای انجام دادن کار، امیدواری و خوشحالی، احساس مفید بودن و... است (sahbir, 2013:26). لانگه (۱۹۹۱) برابری بین زنان و مردان را محور تعریف توسعه امور زنان دانسته و فرآیند توسعه امور زنان را در پنج مرحله تعیین

بشترین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشبران، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

می‌کند. او تأکید می‌کند که تواناسازی نه تنها ناشی از کسب برابری است، بلکه به همان میزان برای تعقیب اهداف برابری ضرورت دارد. مراحل برابری از نظر او عبارت‌اند از رفاه، دسترسی، آگاهی، مشارکت و کنترل می‌باشند. این مراحل نشان می‌دهد که مدارج بالای برابری خود به خود به عنوان مدارج بالای توسعه و تواناسازی محسوب می‌شود. اهر یک از این مراحل شرح داده می‌شود:

۱- **رفاه**: در این مرحله، مسائل رفاه مادی زنان در مقایسه با مردان در مواردی مانند وضعیت تغذیه، تهیه مواد غذایی و درآمد مطالعه می‌شود. زنان به عنوان افرادی منفعل تصور می‌شوند که قادر نیستند در وضع خود تغییراتی بدهند و فقط از مزایای برنامه‌های رفاهی استفاده می‌کنند. این مرحله، مرحله‌ی صفر از تواناسازی زنان محسوب می‌شود. فعالیت زنان برای پیشبرد رفاه خویش نسبت به مردان، آنها را درگیر فرآیند تواناسازی و درگیر مراحل بالای برابری می‌کند. به عبارت دیگر، اگر وضعیت رفاهی دختران به دلیل تبعیض‌های جنسیتی پایین است، پس توانمندسازی یعنی فایده‌آمدن بر این تبعیض‌ها نیز از سطوح بالای برابری است. در نهایت هدف برابری و تواناسازی زنان باید به برابری رفاهی بیانجامد. مسئله‌ی رفاه زنان بدون در نظر گرفتن مسائل جنسیتی به خودی خود یک هدف محسوب نمی‌شود (تاج‌الدین و رحمتی والا، ۱۳۹۳: ۱۳۱).

۲- **دسترسی**: فواصل جنسیتی از مسئله نابرابری دسترسی به منابع ناشی می‌گردد که به معنی دسترسی کمتر زنان به منابع است دسترسی به عوامل تولید، آموزش، کارهای دستمزد ساز، خدمات، آموزش‌های مهارت‌زا که استخدام و تولید را ممکن می‌سازند، حتی دسترسی به دست‌رنج خود (قلی‌زاده گرجان و همکاران، ۱۳۹۳: ۴)

۳- **آگاهی**: در این مرحله زنان باید بتوانند نابرابری‌های اجتماعی را درک کنند و بدانند که مشکلات و مسائل پیش روی آنان ناشی از بی‌کفایتی آنان نیست، بلکه این سامانه اجتماعی است که این تبعیض‌ها را بر آنان تحمیل کرده است (فقیری و همکاران، ۱۳۹۱: ۴).

۴- **مشارکت**: به معنی مشارکت برابر زنان در تصمیم‌گیری است، یعنی حضور زنان در تمام مراحل، مطالعه نیازها، شناسایی مشکلات، برنامه‌ریزی مدیریت، اجرا و ارزشیابی است. برابری در مشارکت به معنی شرکت زنان در تمامی پروژه‌هایی که به آنها مربوط است و دخالت دادن آنها در این امور که باید نسبت به تعدادشان باشد است. چنین افزایش حضوری به منزله‌ی تواناسازی و عاملی بالقوه به منظور مشارکت برای افزایش سطح تواناسازی است (تاج‌الدین و رحمتی والا، ۱۳۹۳: ۱۳۳).

۵- **کنترل**: افزایش مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌ها، به افزایش کنترل آنان بر عوامل تولید و تضمین دسترسی برابر به منابع و توزیع عادلانه آن منجر می‌شود. برابری در کنترل به معنای توازن قدرت در بین زنان و مردان، و این بدان معناست که هیچکدام از آنان بر دیگری برتری ندارد (فقیری و همکاران، ۱۳۹۱: ۵).

سبک زندگی

سبک زندگی به مدت زمانی که یک فرد برای انجام فعالیت‌های روزمره زندگی خود صرف می‌کند، اشاره دارد. در این تعریف فعالیت‌های روزانه، مؤلفه‌های سبک زندگی محسوب می‌شوند که از جهت‌گیری‌های ارزشی افراد سرچشمه می‌گیرند (Gatersleben et al, 2009:53). همچنین سبک زندگی فرم خاص گروهی از افراد می‌باشد که چگونه زندگی می‌کنند و همچنین چگونه زندگی خود را در یک زمینه اجتماعی تفسیر می‌کنند (Reusswig et al, 2003). بخش عمده سبک زندگی هر فرد توسط ارزش‌های وی تعیین می‌شود. هر چند تعریف ثابتی از سبک زندگی در علوم اجتماعی وجود ندارد، اما این واضح است که سبک زندگی پیوند اجتناب‌ناپذیر با رفتار دارد (کاپرا، ۱۳۸۶). سبک زندگی به معنی نحوه‌ی ساماندهی زندگی برای تحقق نیازها و خواسته‌ها با به کارگیری مجموعه‌ای از رفتارهاست (توکلی و شاهزائی، ۱۳۹۶). یک شیوه عمومی است که مسیر زندگی افراد را توصیف می‌کند و می‌تواند در

بشترین کفرانس الگوی اسلامی ایرانی شرف؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

برگیرنده ابعاد مختلف زندگی باشد (Koh et al., 2014: 338؛ گیدنز، ۱۳۸۲: ۱۲۱) و همچنین مربوط به سلیقه ها، ترجیحات و نگرش اجتماعی (Zhang et al., 2009:148)، عادات، استانداردهای اخلاقی، اقتصادی و .. می باشند که با هم تشکیل حالت زندگی فرد یا گروه را می دهند (Jiang et al., 2013). گیدنز معتقد است سبک زندگی به صورت عملکردهای روزمره در می آیند؛ عملکردهایی که در نوع پوشش، خوراک و طرز کار، محیطهای مطلوب برای ملاقات با دیگران تجسم می یابند، ولی این امور روزمره، در پرتو ماهیت متحرک هویت شخصی به طرز بازتابی در برابر تغییرات احتمالی باز و پذیرا هستند. هریک از تصمیم گیریهای کوچک شخصی در زندگی روزانه چه بپوشم، چه بخورم، در محیط کار چگونه رفتار کنم، پس از پایان کار با چه کسی مراوده کنم همه و همه در تعیین و تنظیم امور روزمره مشارکت دارند (خواجه نوری و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۰).

سبک زندگی و توانمندسازی زنان روستایی

بورديو (۲۰۰۲) یکی از دانشمندان است که در خصوص سبک زندگی و سرمایه، نظریه پردازی کرده است. یکی از مفاهیم مهم وی مفهوم تمایز است. تمایز به تفاوت هایی اشاره می کند که بین رفتارها و سبک های زندگی افراد جامعه به دلیل موقعیت های متفاوتشان از لحاظ سرمایه و میدان های اجتماعی گوناگون، وجود دارد. در حقیقت، تمایز نشان دهنده خصوصیات فرهنگی مصرف گروه هایی است که به لحاظ فضایی و فراتر از آن در نسبت شان با ضرورت های مادی زندگی متمایزند. به عبارت دیگر گروه های اجتماعی مختلف از چنان منش های متفاوتی برخوردارند که تجلی آن در گوناگونی های مصرفشان نمود پیدا می کند. از این رو سبک زندگی فضایی است که کنشگران در ذیل آن می آموزند چگونه زندگی کنند، چه چیز را ارجح بشمارند (علیزاده، ۱۳۸۸: ۳۹). از این رو سبک زندگی بخشی از زندگی است که عملاً در حال تحقق یافتن است و در بردارنده ی طیف کامل فعالیت هایی است که افراد در زندگی روزمره انجام می دهند و همچنین خصایصی نظیر داشتن سبک (تمایز بخش، شکل خاص، کیفیت برجسته، مکان یا شخص خاص) درباره ی آن ها صدق می کند. طیف فعالیت های افراد در هر عرصه، می تواند سازنده - ی سبک زندگی آن ها در آن عرصه باشد. به همین دلیل می توان از سبک زندگی در زمینه ی مصرف مادی، رفتار بهداشتی، مصرف فرهنگی یا رفتار درون منزل سخن گفت (رضوان زاده، ۱۳۸۳: ۲۸). عمده ترین میراث اندیشه ی بورديو برای جامعه شناسی مصرف و تحلیل سبک های زندگی تحلیل ترکیب انواع سرمایه هاست وی در بحث از سرمایه، چند نوع سرمایه را از یکدیگر متمایز می کند:

۱. سرمایه ی اقتصادی که از عوامل گوناگون تولید (املاک، کارخانه ها، کار) و مجموعه ی دارایی های اقتصادی درآمد، میراث، کالاهای مادی تشکیل شده است؛
۲. سرمایه ی فرهنگی که با مجموعه ای از داشته های فکری منطبق است که به وسیله ی نظام آموزشی تولید می - شوند یا از طریق خانواده انتقال می یابند. این سرمایه می تواند به سه شکل وجود داشته باشد: وضعیتی که شکل یک استعداد پایدار جسمی را به خود گرفته است (مثل قدرت بیان در برابر مردم)، وضعیتی عینی به شکل کالای فرهنگی (مالکیت تابلوها، آثار هنری)، وضعیتی نهادینه شده، یعنی وضعیتی که به لحاظ اجتماعی از سوی نهادهای اجتماعی پذیرفته شده است؛
۳. سرمایه ی اجتماعی که اساساً مجموعه ای از روابط اجتماعی است که فرد یا گروهی در اختیار دارد. داشتن این نوع سرمایه به معنای برقراری و حفظ روابط، یا به معنای اجتماعی بودن است، از قبیل دعوت های متقابل، گذراندن اوقات فراغت با دیگران و نظایر آن؛ (بونویتز، ۱۳۹۱: ۶۷ و ۶۸).

زنان روستایی بر اساس توانایی خود در بسیاری از امور تولیدی اعم از زراعی، تولید فرآورده های کشاورزی و صنایع دستی فعالیت دارند که هر چند تولیدات آنان در برخی موارد جنبه خود معرفی دارد اما اغلب برای کسب درآمد و

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

عرضه به بازارهای ملی و بین‌المللی انجام می‌گیرد و همچنین علاوه بر مشارکت موثر در تولیدات کشاورزی، در سایر عرصه‌های غیرتولیدی نیز نقش‌های منحصر به فرد دارند از این رو زنان روستایی خود یک نوع سرمایه اقتصادی در روستا محسوب می‌شوند. این در حالی است که همیشه توانایی زنان روستایی به میزان بسیار کمتری ارزش گذاری شده است و از توانایی‌های زنان برای ساختن زندگی بهتر خود، خانواده و اجتماع به درستی استفاده نشده است (Koeing et al., 2003:118).

زنان روستایی هویت‌های بومی، دانش سنتی و هنری محیط خود هستند. فرهنگ فعالیت‌های جمعی آنان در روستاها زبانزد است. وجود تعاونی‌های روستایی فراوان که به صورت خودجوش و با همکاری و کار گروهی توسط زنان مدیریت می‌شوند گواه بر این ادعا دارد که استعداد کار فرهنگی جمعی و گروهی در روستاها به مراتب زیاد است. اما در طول تاریخ، زنان از فرهنگ‌های سنتی که مشارکت آنان را در زندگی عمومی (اشاره به فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه) به حداقل می‌رسانده نیز رنج برده و می‌برند و در واقع از آنجایی که فرهنگ و ساختارهای اجتماعی اصلی ترین عوامل تعیین کننده رفتار انسان است (Al-Othman, 2011:238).

زنان به عنوان مهمترین سرمایه‌های اجتماعی روستا نیز شناخته شده‌اند. زنان یکی از مهم ترین گروه‌های اجتماعی متاثر از کیفیت زندگی و در عین حال مؤثر بر آن می‌باشند. این گروه عظیم اجتماعی از آنجا که ارتباط موثری با گروه‌های اجتماعی جامعه دارند، علاوه بر وظایف شخصی و خانوادگی نقش فعالی را در پیشرفت‌های اجتماعی و توسعه پایدار آن ایفا می‌کنند. زنان نقش بسیار حساس و تعیین کننده‌ای در فعالیت‌های اجتماعی دارند، آنان برای تسریع روند تغییر و توسعه پایدار جامعه، مسئولیت بسیار جدی و مهمی بر عهده دارند. به همین دلیل کشورهای که در مسیر توسعه سازنده قرار دارند؛ به این امر پی برده‌اند که ضرورت ایجاد جامعه سالم در گرو وجود زنان فعال و مؤثر در جامعه می‌باشد (علیزاده، ۱۳۹۰: ۵۱). لذا این نیاز احساس می‌شود که زنان می‌بایست در زمینه‌های مختلفی توانمند شوند تا از این طریق بتوانند نقش خود را در جامعه بیشتر نمایان کنند (Jackson, 2010: 4). توانمندی زنان به معنای افزایش شناخت، قابلیت اعتماد، افزایش حق انتخاب، افزایش مهارت و افزایش قدرت کنترل به وسیله خودشان است لذا آگاهی از این عوامل باعث شناخت بهتر زنان شده و در راستای توانمندسازی آنان برنامه‌ریزی‌هایی در سطح خرد و کلان صورت خواهد گرفت.

نتیجه گیری و پیشنهادها

یکی از شاخص‌های نوسازی اقتصاد ملی و توسعه اجتماعی، مشارکت زنان روستایی و نحوه ایفای نقش آنان در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است اما آن گونه که باید و شاید به وضعیت آنان رسیدگی نشده و عمدتاً عناصر حاشیه‌ای، غیر فعال و غیر مولد محسوب می‌شوند و علی‌رغم اهمیت و نقش آن‌ها، قشری با بیشترین میزان آسیب پذیری می‌باشند. توانمندسازی از مباحث نوین در توسعه منابع انسانی به شمار می‌آید. توانمندسازی زنان بر اساس برابری در همه حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی شالوده اصلی دستیابی به توسعه و صلح محسوب می‌شود. بدیهی است که سبک زندگی می‌تواند عاملی برای رویکردی توانمندسازی زنان مطرح باشد. سبک زندگی، منبعی ارزشمند برای بهبود کیفیت زندگی زنان روستایی می‌باشد. ایجاد انگیزه در زنان، بالا بردن اعتماد به نفس و خلق استعدادها نیاز به سرمایه گذاری همه جانبه‌ی در سبک زندگی مناسب دارد. زنان نقش مهمی در توسعه پایدار روستاها دارند لذا اصلاح سبک زندگی زنان و ارتقای توانمندسازی آنان سهم بزرگی در پیشرفت و اعتلای جامعه خواهد داشت. از این رو با توانمندسازی زنان روستایی می‌توان اقدام مؤثری در جهت تحقق توانمندسازی کلی در کشورها و نیز تحقق توسعه در جوانب مختلف و در رأس آن، توسعه پایدار همت گماشت. لذا در این راستا پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

ششمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

- ۱- بستر سازی دولت برای کارآفرینی و اشتغال زنان روستایی موجب توسعه توانایی اقتصادی آن ها خواهد شد حمایت سازمان های دولتی و غیر دولتی در آموزش و راه اندازی کارگاه های تولیدی؛
- ۲- به کارگیری محرک ها و مشوق های دولتی و غیر دولتی که منجر به عضویت زنان روستایی در تعاونی های کشاورزی، صندوق های اعتباری خرد، انواع انجمن ها و تشکل های کشاورزی؛
- ۳- علی رغم نقش حیاتی زنان روستایی در جامعه روستایی، در نقاط مختلف جهان دسترسی آن ها به خدمات ترویجی، تأمین اجتماعی، زمین کشاورزی و اطلاعات و فناوری نوین بسیار محدود است بنابراین نیاز است که در این زمینه نیز اقدامات لازم صورت گیرد؛
- ۴- در برنامه ریزی توسعه روستایی باید از تمرکز گرایی و باور صرف به مردان پرهیز نموده و تصمیم گیری را به سطوح پایین تر با مشارکت زنان هر منطقه همراه با مردان منتقل نمود؛
- ۵- برنامه ریزی و اتخاذ سیاست هایی برای متناسب نمودن خواسته های زنان روستایی با فرهنگ بومی؛
- ۶- تهیه و پخش برنامه ها در راستای تقویت گرایش زنان به کارهای جمعی و حضور در اجتماعات محلی؛

منابع

- بنی فاطمه، حسین، روستایی، شهرام، علیزاده اقدم، محمدباقر و حسین نژاد، فهیمه. (۱۳۹۱). بررسی ارتباط بین سرمایه اجتماعی و سبک زندگی محیط زیستی در بین شهروندان شهر تبریز، دو فصلنامه جامعه شناسی اقتصادی و توسعه، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، صص ۳۳-۵۶
- بونویتز، پاتریس. (۱۳۹۱). درس هایی از جامعه شناسی پیر بردیو، ترجمه ی جهانگیر جهانگیری و سفیر حسن پور، تهران: آگاه.
- تاج الدین، محمدباقر و رحمتی والا، لیلی. (۱۳۹۳). رسانه ملی و توانمندسازی زنان سرپرست خانوار (مورد مطالعه: زنان سرپرست خانوار منطقه ۱۸ تهران)، مطالعات راهبردی زنان، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، سال هفدهم، شماره ۶۵، صص ۱۱۹-۱۶۱
- توکلی، مرتض و شاهزائی، عبدالحمید. (۱۳۹۶). تحلیل تاثیر قدرت رسانه ها بر سبک زندگی روستاییان مرزنشین (زهک) سیستان، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات قدرت نرم، سال هفتم، شماره شانزدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۶
- خسروی پور، بهمن و فروشانی، ناهید. (۱۳۹۰). مشارکت زنان و توسعه پایدار روستایی، کار و جامعه، شماره ۱۳۳-۱۳۲، خرداد و تیرماه ۱۳۹۰، صص ۱۲۲-۱۳۴
- خواجه نوری، بیژن، روحانی، علی و هاشمی، سمیه. (۱۳۹۰). «سبک زندگی و مدیریت بدن» فصلنامه علمی پژوهشی جامعه شناسی زنان، س ۲، ش ۴، صص ۲۱-۴۸
- درویش پور، کریم، رحمان پور، حسین، درویش پور، رحیم و درویش پور، علی محمد. (۱۳۹۳). نقش زنان روستایی در توسعه، امنیت و پایداری مواد غذایی. اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی، صص ۱-۱۳
- ربیعی، علی و نظریان، زهرا. (۱۳۹۲). بررسی موانع کارآفرینی زنان تحصیل کرده دانشگاهی ایران. ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، دوره دوم، شماره ۴، بهار ۱۳۹۲، صص ۲۵-۱
- رضوان زاده، نوالدین (۱۳۸۳). بررسی تأثیرات ارتباطات در تمایل به تغییر سبک زندگی در جامعه روستایی، پایان نامه دکتری علوم ارتباطات دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی
- شاهکوهی، علیرضا، خوش فر، غلامرضا و کریمی، لیلا. (۱۳۹۱). نقش گردشگری در توانمندسازی زنان روستایی، مورد مطالعه: روستای زیارت، شهرستان گرگان، فصلنامه برنامه ریزی و توسعه گردشگری، (۳)، صص ۱۱۴-۹۵
- شرف الدین، حسین. (۱۳۹۲). رسانه ملی و سبک زندگی. ادیان و عرفان معرفت، شماره 186، صص 15-۲۲

ششمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشبران، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دومین و سومین خردادماه ۱۳۹۸

شعبانی، هادی، رخشنده نیا، سیده اکرم و حسینی اجداد، اسماعیل. (۱۳۹۱). الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت با تکیه بر عناصر علم، محبت و آزادی از منظر دین، نشریه مطالعات الگوی پیشرفت ایرانی-اسلامی، ۱(۱): ۱۲۱-۱۵۴

صادقی فسایی، سهیلا و عرفان منش، ایمان. (۱۳۹۲). تحلیل جامعه شناختی تأثیرات مدرن شدن بر خانواده‌ی ایرانی و ضرورت تدوین الگوی ایرانی-اسلامی، نشریه‌ی زن در فرهنگ و هنر، ۵(۱): ۸۴-۶۳

صفری شالی، رضا. ۱۳۷۸. عوامل فرهنگی و اجتماعی مرتبط با میزان مشارکت زنان روستایی در امور و مسائل خانوادگی و اجتماعی. پژوهش زنان، دوره‌ی ششم، شماره‌ی یک، بهار. زنجان، ص ۱۵۹-۱۳۷.

علیزاده اقدم، محمدباقر. (۱۳۸۸). مطالعه سبک زندگی سلامت محور شهروندان: امیدها و بیم‌ها (مطالعه موردی شهر تبریز)، پایان نامه دکتری، دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی

علیزاده، مرجان. (۱۳۹۰)، نقش زنان در توسعه، فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ، شماره ۵، پاییز: ۴۹-۵۹

فقیری، مژگان، علی بیگی، امیرحسین، پورقاسم، فاطمه و تاتار، مریم. (۱۳۹۳). پیش بینی توانمندسازی زنان روستایی با استفاده از الگوی مبتنی بر تحلیل تشخیصی (مطالعه موردی: شهرستان کنگاور)، فصلنامه فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده، سال نهم، شماره ۲۷، صص ۱-۲۱

قلیزاده گرجان، مصطفی، آریک، بهنام و زلایی، ب. (۱۳۹۳). بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر توانمندی زنان سرپرست خانوار، همایش علمی رفتارهای حمایت‌گرانه در عصر جهانی شدن

کاپرا، فریتویف. (۱۳۸۶). پیوندهای پنهان، ترجمه محمد حریری اکبری، تهران: نشر نی.

گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۲). تجدد و تشخیص جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ناصر موفقیان، تهران، نشر نی، چاپ دوم.

ماجدی، حمید، عندلیب، علیرضا و مشارزاده مهرابی، زهرا. (۱۳۹۴). شناسایی شاخص‌های مؤثر بر مشارکت زنان در طرح‌های توسعه شهری، فصلنامه مرکز پژوهشی هنر معماری و شهرسازی نظر (باغ نظر)، سال دوازدهم، شماره ۳۲، صص ۱۲-۳

Akpınar, N., Talay, I., Ceylan, C., & Gündüz, S. (2005). Rural women and agrotourism in the context of sustainable rural development: A case study from Turkey. *Environment, Development and Sustainability*, 6(4), 473-486.

Al-Othman, H. M. (2011). Attitudes toward women's participation in public life in the United Arab Emirates. *Journal of International Women's Studies*, 12(3), 234-246.

Apostu, M. (2013). New Points of View on Concept of Health and Lifestyle. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*. 92(0): 50-54.

Ashburn, K., & Warner, A. (2010). Can economic empowerment reduce vulnerability of girls and young women to HIV? Emerging insights.

Austrian, K (2012). "Girls' Leadership and Mentoring". The Population Council and the UN Adolescent Girls Task Force.

Basu, A. M. and G. B. Koolwal (2005). "Two concepts of female empowerment: Some leads from DHS data on women's status and reproductive health", in S. Kishor (ed.), *A focus on gender: Collected papers on gender using DHS data (pp. 15-53)* Calverton, MD: ORC Macro.

Bhujimali, A. (2005). Development of rural women through education and empowerment. Abhijeet Pub..

Bock, B. B., & Derksen, P. (2007). Barriers to women's participation in rural policy making. In *Gender regimes, citizen participation and rural restructuring* (pp. 263-281). Emerald Group Publishing Limited.

Dutta, T. (2018). Economic Development and Women: Role Played by Financial Inclusion.

Gatersleben, B., White, E., Abrahamse, W., Jackson, T. D., & Uzzell, D. (2009). Materialism and environmental concern. Examining values and lifestyle choices among participants of the 21st century living project. RESOLVE Working Paper Series 01-09.

Handy, F., Kassam, M., & Contact, P. (2004, July). Women's empowerment in rural India. In *International Society for Third Sector Research Conference, Toronto Canada* (pp. 7-8).

Isserman, A. M., Feser, E., & Warren, D. E. (2009). Why some rural places prosper and others do not. *International regional science review*, 32(3), 300-342.

- Jackson, M. A. (2010). Empowering women of Nepal: an experience of empowerment in the land of the Himalaya (Doctoral dissertation, Prescott College).
- Jiang, S., Ferreira Jr, J., & González, M. C. (2012). Analyzing Household Lifestyles, Mobility, and Activity Profiles: A Case Study of Singapore.
- Jun, H., & Xiang, H. (2011). Development of circular economy is a fundamental way to achieve agriculture sustainable development in China. *Energy Procedia*, 5, 1530-1534.
- Kenyon, K. H., & Garcia, R. A. (2016). Exploring human rights-based activism as a social determinant of health: Insights from Brazil and South Africa. *Journal of Human Rights Practice*, 8(2), 198-218.
- Kishor, S., & Gupta, K. (2004). Women's empowerment in India and its states: evidence from the NFHS. *Economic and Political Weekly*, 694-712.
- Koening, A. M., Saifuddin, A., Bazle, H., & Mozumder, KH. (2003). Womens Status and Domestic Violence in Rural Bangladesh Individual and Community Level Effects. *Journal of Demography*, 40(2), 117-125.
- Koh, E. S., Jang, S. N., Paik, N. J., Kim, K. W., and Lim, J. Y. (2014). Age and gender patterns in associations between lifestyle factors and physical performance in older Korean adults. *Archives of gerontology and geriatrics*, 59(2), 338-345.
- Kongolo, M., & Bamgose, O. O. (2002). Participation of rural women in development: A case study of Tsheseng, Thintwa, and Makhalaneng villages, South Africa. *Journal of International Women's Studies*, 4(1), 79-92.
- Kumar. D. P, Bhavani R. V & M. S. Swaminathan, (2014). A Farming System Model to Leverage Agriculture for Nutritional Outcomes, *Agricultural Research*, September 2014, Volume 3, Issue 3, Mahmud, S., Shah, N. M., & Becker, S. (2012). Measurement of women's empowerment in rural Bangladesh. *World development*, 40(3), 610-619.
- Malhotra, A., & Schuler, S. R. (2005). Women's empowerment as a variable in international development. *Measuring empowerment: Cross-disciplinary perspectives*, 1(1), 71-88.
- Meijerink, G, Roza, P (2007). The role of agriculture in development: focusing on linkages beyond agriculture strategy and policy, PP:238.
- Okunade, E. O., Farinde, A. J., & Laogun, E. A. (2005). Participation of Women Local Leaders in Women-Based Rural Development Projects in Osun State, Nigeria. *Journal of Social Sciences*, 10(1), 37-41.
- PP:193-203.
- Reusswig, F., Lotze-Campen, H., & Gerlinger, K. (2003, October). Changing global lifestyle and consumption patterns: the case of energy and food. In *PERN workshop on population, consumption and the environment* (Vol. 19).
- Rifkin, S. B. (2003). "A framework linking community empowerment and health equity: it is a matter of Choice", *Journal of Health Popul Nutr*, Vol. 21, No. 3.
- Soininen. M., & Merisuo-Storm. T. (2010). The life style of the youth. their every day life and relationships in Finland. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*.2(2):1665-1669.
- Tanwir, M., & Safdar, T. (2013). The rural woman's constraints to participation in rural organizations. *Journal of International Women's Studies*, 14(3), 210.
- Ugbomeh, G. M. (2001). Empowering women in agricultural education for sustainable rural development. *Community Development Journal*, 36(4), 289-302.
- Vadivelu, A, Kiran, B.R (2013). Problems and Prospects of Agricultural Marketing in India: an Overview, *International Journal of Agricultural and Food Science*, Volume 3, Issue 3, PP:108-118.
- Visser, O., & Spoor, M. (2011). Land grabbing in post-Soviet Eurasia: the world's largest agricultural land reserves at stake. *The Journal of peasant studies*, 38(2), 299-323.
- Whetten, D. A. and K. S. Cameron (2002). *Developing management skills*, New York: Harper Collins.
- Zhang, Y., Deng, J., Majumdar, S., & Zheng, B. (2009). Globalization of lifestyle: Golfing in China. In *The New Middle Classes* (pp. 143-158). Springer, Dordrecht.